

Submit Date: 21 September 2025
Revise Date: 23 December 2025
Accept Date: 29 December 2025
Initial Publish Date: 30 December 2025
Final Publish Date: 23 September 2026

The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law

Challenges Relating to the Definitions of Capital, Investor, and Foreign Investment and the Typology of Investment Contracts in Iranian Law

Pasha Delshad¹, Hamid Ghasemi^{*2}, Dariush Shahriari²

1. Department Of Law, Qe.C., Islamic Azad University, Qeshm, Iran

2. Department Of Law, BA.C., Islamic Azad University, Bandar Abbas, Iran

* Corresponding Author's Email: Hamidghasemi@ut.ac.ir

ABSTRACT

In the contemporary global economic environment, competitiveness has emerged as a decisive factor in the economic sustainability and political stability of states. Economic dynamism is not merely an economic necessity but constitutes a fundamental prerequisite for the preservation of national independence and security. Within this context, foreign investment, as one of the most effective instruments of economic growth and development, has acquired a prominent position in the legal and economic systems of countries. With the expansion of doctrines grounded in free trade and the globalization of markets, the significance of respecting the principle of freedom of contract and the autonomy of the will of the parties in shaping the rights and obligations arising from foreign investment has become increasingly evident. Nevertheless, the Iranian legal system faces substantial challenges in addressing the concepts of "capital," "investor," and "foreign investment." Ambiguities in statutory definitions, regulatory fragmentation, and the incomplete alignment of domestic concepts with internationally recognized standards have generated divergent interpretations and inconsistencies in the execution of investment contracts. Furthermore, the emergence of novel forms of investment arrangements, including public-private partnerships, buy-back contracts, and indirect investments, necessitates a reconsideration of the traditional legal frameworks used to analyze such institutions. Adopting an analytical-critical approach, this article examines the conceptual and practical challenges associated with the definitions of capital, investor, and foreign investment in the Iranian legal system and, through a comparative assessment of international practices and instruments, seeks to identify the existing conceptual and structural deficiencies in the Law on the Promotion and Protection of Foreign Investment and to propose solutions for aligning it with the requirements of the contemporary economy and the imperatives of international economic relations.

Keywords: *Foreign Investment; Investor; Investment Contract; Law on the Promotion and Protection of Foreign Investment*



JECJL-4-3-code387.
docx

How to cite: Delshad, P., Ghasemi, H., & Shahriari, D. (2026). Challenges Relating to the Definitions of Capital, Investor, and Foreign Investment and the Typology of Investment Contracts in Iranian Law. *The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law*, 4(3), 1-18.



تاریخ ارسال: ۳۰ شهریور ۱۴۰۴
 تاریخ بازنگری: ۲ دی ۱۴۰۴
 تاریخ پذیرش: ۸ دی ۱۴۰۴
 تاریخ چاپ اولیه: ۹ دی ۱۴۰۴
 تاریخ چاپ نهایی: ۱ مهر ۱۴۰۵

دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی

چالش‌های ناظر به تعاریف سرمایه، سرمایه‌گذار و سرمایه‌گذاری خارجی و مصادیق قراردادهای سرمایه‌گذاری در قانون ایران

پاشا دلشاد^۱، حمید قاسمی^۲، داریوش شهریاری^۳

۱. گروه حقوق، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران
 ۲. گروه حقوق، واحد بندرعباس، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرعباس، ایران
 * پست الکترونیک نویسنده مسئول: Hamidghasemi@ut.ac.ir

چکیده

در شرایط کنونی اقتصاد جهانی، رقابت‌پذیری به‌عنوان عاملی تعیین‌کننده در پایداری اقتصادی و ثبات سیاسی کشورها مطرح است. پویایی اقتصادی، نه‌تنها یک ضرورت اقتصادی، بلکه پیش‌شرطی برای حفظ استقلال و امنیت ملی محسوب می‌شود. در این میان، سرمایه‌گذاری خارجی به‌عنوان یکی از ابزارهای کارآمد رشد و توسعه اقتصادی، جایگاه ویژه‌ای در نظام حقوقی و اقتصادی کشورها یافته است. با گسترش اندیشه‌های مبتنی بر دگرگونی تجارت آزاد و جهانی‌شدن بازارها، اهمیت احترام به اصل آزادی اراده و حاکمیت اراده طرفین در شکل‌دهی به حقوق و تعهدات ناشی از سرمایه‌گذاری خارجی بیش از پیش نمایان شده است. با وجود این، نظام حقوقی ایران در مواجهه با مفاهیم «سرمایه»، «سرمایه‌گذار» و «سرمایه‌گذاری خارجی» با چالش‌های اساسی روبه‌روست. ابهام در تعاریف قانونی، پراکندگی مقررات و عدم انطباق کامل مفاهیم داخلی با استانداردهای پذیرفته‌شده بین‌المللی، موجب بروز اختلاف‌نظر در تفسیر و اجرای قراردادهای سرمایه‌گذاری شده است. افزون بر آن، ظهور اشکال نوینی از قراردادهای سرمایه‌گذاری، ازجمله مشارکت‌های دولتی-خصوصی، بیع متقابل و سرمایه‌گذاری‌های غیرمستقیم، نیازمند بازنگری در چارچوب‌های سستی تحلیل حقوقی این نهادها است. این مقاله با رویکردی تحلیلی-انتقادی، به بررسی چالش‌های مفهومی و مصادیقی مرتبط با تعاریف سرمایه، سرمایه‌گذار و سرمایه‌گذاری خارجی در نظام حقوقی ایران می‌پردازد و با تکیه بر مقایسه تطبیقی با رویه‌ها و اسناد بین‌المللی، می‌کوشد خلأهای مفهومی و ساختاری موجود در قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی را شناسایی و راهکارهایی برای انطباق آن با نیازهای اقتصاد معاصر و الزامات تعاملات بین‌المللی ارائه دهد.

کلیدواژگان: سرمایه‌گذاری خارجی، سرمایه‌گذار، قرارداد سرمایه‌گذاری، قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی

نحوه استناددهی: دلشاد، پاشا، قاسمی، حمید، و شهریاری، داریوش. (۱۴۰۵). چالش‌های ناظر به تعاریف سرمایه، سرمایه‌گذار و سرمایه‌گذاری خارجی و مصادیق قراردادهای سرمایه‌گذاری در قانون ایران. *دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی*، ۴ (۳)، ۱-۱۸.

از منظر حقوقی، مفهوم «سرمایه» از مفاهیم بنیادین و چندوجهی است که در نظام‌های اقتصادی و حقوقی تعاریف متفاوتی دارد. از دیدگاه حقوقی، سرمایه مجموعه‌ای از وسایل، دارایی‌ها و منابعی است که قابلیت ایجاد درآمد دارند. سرمایه می‌تواند به صورت نقدی، غیرنقدی، فنی، یا حتی در قالب دارایی‌های فکری و مدیریتی تجلی یابد. به تعبیر ساعی، سرمایه در اصطلاح حقوقی، شامل ثروت‌های نقدی و غیرنقدی است که در کنار نیروی کار و منابع طبیعی در فعالیت‌های اقتصادی مانند تولید، مبادله و خدمات بانکی به کار گرفته می‌شود (Saei, 2000). بنابراین، سرمایه نه تنها دارایی‌های مادی بلکه دارایی‌های نامشهود مانند دانش فنی، اختراعات و علائم تجاری را نیز دربرمی‌گیرد.

در حقوق ایران، قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی مصوب ۱۳۸۰ مهم‌ترین سند قانونی در این حوزه محسوب می‌شود. هرچند این قانون تعریفی صریح از «سرمایه» ارائه نداده، اما در ماده ۱، سرمایه خارجی را شامل وجوه نقدی، ماشین‌آلات، تجهیزات، حق اختراع، دانش فنی، علائم تجاری و سایر دارایی‌های مشابه دانسته است. به علاوه، قانون‌گذار اختیار افزوده شدن سایر دارایی‌ها را به هیئت دولت سپرده است. در مقابل، در مقررات سرمایه‌گذاری در مناطق آزاد تجاری - صنعتی مصوب ۱۳۷۳، سرمایه خارجی به تمام دارایی‌هایی اطلاق شده که توسط سرمایه‌گذار خارجی به این مناطق وارد می‌شود و به طور صریح مصادیق آن در ماده ۳ ذکر گردیده است (Hanjani & Ostadzadeh, 2017).

در دنیای امروز که اقتصاد جهانی درهم‌تنیده و رقابتی است، سرمایه‌گذاری خارجی به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل رشد، توسعه پایدار و تقویت روابط بین‌المللی کشورها شناخته می‌شود. در واقع، جریان آزاد سرمایه به سمت کشورهایی که بستر حقوقی و نهادی مطمئنی برای حمایت از سرمایه‌گذاران فراهم کرده‌اند، بخش مهمی از تعاملات اقتصادی بین‌المللی را تشکیل می‌دهد. سرمایه‌گذاری خارجی در بسیاری از موارد از طریق روش‌های شناخته‌شده‌ای انجام می‌گیرد که هر یک در حقوق تجارت بین‌الملل دارای تعریف و ویژگی‌های خاص خود است (Saei, 2000).

به‌طورکلی، سرمایه‌گذاری خارجی بر اساس نوع و ماهیت سرمایه‌گذار به دو دسته اصلی تقسیم می‌شود: سرمایه‌گذاری عمومی دولتی و سرمایه‌گذاری خصوصی خارجی. نوع نخست، یعنی سرمایه‌گذاری عمومی، معمولاً توسط دولت‌ها یا نهادهای وابسته به آن‌ها انجام می‌شود و هدف از آن صرفاً کسب سود نیست، بلکه انگیزه‌های سیاسی، توسعه صادرات، گسترش بازار محصولات داخلی و افزایش سطح فعالیت‌های اقتصادی بین‌المللی نیز در آن دخیل است (Khodayari, 2001). در مقابل، سرمایه‌گذاری خصوصی خارجی غالباً از سوی اشخاص حقوقی یا حقیقی خارجی صورت می‌گیرد و انگیزه اصلی آن کسب سود و بازده اقتصادی است. این نوع سرمایه‌گذاری، پایه اصلی تعاملات اقتصادی بین‌المللی را تشکیل می‌دهد و منبع مهمی برای تأمین سرمایه در کشور میزبان محسوب می‌شود (Hanjani & Ostadzadeh, 2017).

جدول ۱. مقایسه‌ای میان تعاریف سرمایه و سرمایه‌گذاری در قوانین ایران و اسناد بین‌المللی

ویژگی برجسته	تعریف سرمایه‌گذاری	تعریف سرمایه	منبع حقوقی
شمول بر دارایی‌های نامشهود	ورود سرمایه خارجی در قالب فعالیت اقتصادی جدید یا موجود	شامل وجوه نقدی، تجهیزات، دانش فنی و علائم تجاری	قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی (۱۳۸۰)
تمرکز بر مناطق ویژه اقتصادی	به‌کارگیری سرمایه در فعالیت‌های تولیدی یا خدماتی	کلیه سرمایه‌های واردشده به مناطق آزاد	مقررات سرمایه‌گذاری در مناطق آزاد (۱۳۷۳)

تعریف موسع و منطبق با معیارهای شامل سهام، اموال منقول و غیرمنقول، حقوق معنوی و صنعتی	هر نوع مال یا دارایی مورد استفاده موافقت‌نامه سرمایه‌گذاری بین کشورهای عضو اکو (۱۳۸۷)
جامعیت و انطباق با رویکرد نوین حقوق سرمایه‌گذاری طبق قوانین طرف متعاقد	هر نوع دارایی دارای ارزش موافقت‌نامه ایران و سنگاپور (۱۳۹۶)
بین‌الملل سرمایه‌گذاری	اقتصادی

در قوانین گذشته ایران، به‌ویژه قانون جلب و حمایت سرمایه‌های خارجی مصوب ۱۳۳۴، تعریف مشخصی از سرمایه‌گذاری و سرمایه‌گذار ارائه نشده بود و حتی دولت‌های خارجی از حق مشارکت مستقیم در سرمایه‌گذاری در ایران محروم بودند. اما در قانون جدید سال ۱۳۸۰، این محدودیت‌ها رفع گردید و دامنه تعریف سرمایه‌گذار به اتباع ایرانی مقیم خارج از کشور، سازمان‌های بین‌المللی و شرکت‌های دولتی خارجی نیز گسترش یافت. مطابق ماده ۴ این قانون، سرمایه‌گذاری دولت‌ها در ایران منوط به تصویب مجلس شورای اسلامی است و سرمایه‌گذاری شرکت‌های دولتی خارجی خصوصی تلقی می‌شود تا مصونیت دیپلماتیک برای آن‌ها ایجاد نگردد (Khodayari, 2001).

از دیدگاه بین‌المللی نیز در موافقت‌نامه‌های دوجانبه ایران با کشورهای مانند بحرین (۱۳۸۲)، مالزی (۱۳۸۵)، اسلواکی (۱۳۹۵) و سنگاپور (۱۳۹۶)، تعاریف مشابهی از سرمایه‌گذاری ارائه شده است که بر مالکیت هر نوع دارایی اعم از سهام، اوراق بهادار، اموال منقول و غیرمنقول، حقوق مالکیت معنوی و سایر حقوق قراردادی تأکید دارد. این رویکرد نشان‌دهنده هم‌گرایی تدریجی حقوق ایران با معیارهای پذیرفته‌شده در معاهدات سرمایه‌گذاری است، هرچند در عمل، هنوز برخی چالش‌های اجرایی و مفهومی در تفسیر و شمول این مفاهیم باقی مانده است.

به‌طور کلی، بررسی تطبیقی قوانین داخلی و اسناد بین‌المللی نشان می‌دهد که مفهوم سرمایه‌گذاری در حقوق ایران عمدتاً بر جنبه اقتصادی تأکید دارد و ابعاد فنی، حقوقی و فناورانه آن کمتر مورد توجه قرار گرفته است. این امر باعث شده که در تفسیر قراردادهای سرمایه‌گذاری، تعارضاتی میان دیدگاه اقتصادی و حقوقی پدید

آید. از این‌رو، ضرورت دارد که نظام حقوقی ایران ضمن شفاف‌سازی مفاهیم پایه‌ای نظیر سرمایه و سرمایه‌گذار، چارچوب منسجمی برای انواع جدید سرمایه‌گذاری همچون سرمایه‌گذاری‌های دیجیتال، دانش‌بنیان و خدماتی فراهم آورد تا امنیت حقوقی و جذابیت اقتصادی کشور افزایش یابد (Hanjani, 2017 & Ostadzadeh).

سؤال اصلی این پژوهش عبارتند از: چالش‌های ناظر به تعاریف مفاهیم «سرمایه»، «سرمایه‌گذار» و «سرمایه‌گذاری خارجی» و مصادیق قراردادهای سرمایه‌گذاری در نظام حقوقی ایران چیست و این چالش‌ها چه تأثیری بر جذب و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی دارند. همچنین، فرضیه اصلی پژوهش عبارتند از: ابهام در تعاریف قانونی و عدم هماهنگی میان مفاهیم به‌کاررفته در قوانین داخلی با معیارهای پذیرفته‌شده در اسناد بین‌المللی، از مهم‌ترین موانع توسعه نظام حقوقی کارآمد در حوزه سرمایه‌گذاری خارجی در ایران است. پژوهش حاضر به شیوه تحلیلی - توصیفی و با بهره‌گیری از روش تطبیقی میان قوانین داخلی ایران، معاهدات بین‌المللی سرمایه‌گذاری و نمونه‌های نظام‌های حقوقی پیشرو انجام شده است. داده‌ها از طریق مطالعه کتابخانه‌ای، تحلیل اسناد قانونی، رویه‌های حقوقی و مقایسه تطبیقی گردآوری و تحلیل می‌شوند.

موضوع و مصادیق و جایگاه و کارکرد قرارداد سرمایه‌گذاری خارجی

طرفین قرارداد سرمایه‌گذاری خارجی یک شخص حقوق عمومی یا دولتی از یک سو شخص خصوصی خارجی از سوی دیگر است، اما از این بیان نباید نتیجه گرفت که هر ارتباط سرمایه‌گذاری

ماهیت ارتباط دولت و سرمایه‌گذار از چارچوب حقوق عمومی فاصله بگیرد و به اقتضائات حقوق خصوصی نزدیک‌تر شود با این وصف طبیعی است که متداول‌ترین روش برای سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی خصوصاً در کشورهای در حال توسعه، انعقاد قرارداد سرمایه‌گذاری خارجی باشد (Shahbazinia, 2013). قسمت ب از ماده ۳ قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی، انواعی از قراردادها چون ساخت، بهره‌برداری، انتقال، بیع متقابل و مشارکت مدنی را از جمله سرمایه‌گذاری‌های مورد حمایت در این قانون بر شمرده است که البته در آیین‌نامه این قانون به این دسته، نام ترتیبات قراردادی داده شده است. این مسئله نشان‌دهنده این نکته است که قانون‌گذار ایران نیز اهمیت قرارداد سرمایه‌گذاری خارجی در رشد اقتصادی ایران را دریافته و با ایجاد سازوکارهای قانونی لازم، استفاده از ترتیبات قراردادی سرمایه‌گذاری خارجی را برای کلیه فعالیت‌های اقتصادی اعم از اینکه این فعالیت‌ها در انحصار دولت باشند یا بخش خصوصی نیز بتواند در این نوع کارها فعالیت کند مجاز اعلام کرده است (Shiravi & Amin Majd, 2012). البته اینکه در ماده ۳ آیین‌نامه این قانون، سرمایه‌گذاری خارجی به دودسته سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و سرمایه‌گذاری در چارچوب ترتیبات قراردادی تقسیم شده است، این معنا را به ذهن متبادر می‌کند که سرمایه‌گذاری در چارچوب ترتیبات قراردادی ذیل سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی قرار نمی‌گیرد که البته این تصور منطبق با واقع نیست و آنچه سرمایه‌گذاری در چارچوب ترتیبات قراردادی خوانده شده است نیز خود قسمی از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی است. بدیهی است اولین گام برای شناخت قرارداد سرمایه‌گذاری خارجی، شناخت مفهوم سرمایه‌گذاری خارجی به منزله موضوع این نوع قراردادهاست.

خارجی بین دولت سرمایه‌پذیر و شخص خصوصی خارجی لزوماً در چارچوب قرارداد سرمایه‌گذاری انجام می‌شود. توضیح بیشتر اینکه اعمال حقوقی دولت می‌تواند به دو صورت تحقق یابد: اول به صورت قرارداد و دوم به صورت اعمال حقوقی یک‌جانبه یا اصطلاحاً ایقاعات اداری. ایقاعات اداری دولت ممکن است مخاطب مشخص داشته باشند، همانند صدور پروانه، گواهی‌نامه یا احکام استخدام یا اینکه: مخاطب جمعی داشته باشند همانند آیین‌نامه‌ها، بخش‌نامه‌های دولتی و امثال آن (Rezaeizadeh, 2008). صدور مجوز سرمایه‌گذاری به عنوان مقدمه قرارداد سرمایه‌گذاری یا به جای آن یا در کنار قرارداد سرمایه‌گذار از اموری است که ماهیت ایقاعی دارد. اگر جزئیات توافق طرفین در سرمایه‌گذاری خارجی مستند به قرارداد نباشد، قاعداً، حقوق و تکالیف طرفین صرفاً به موجب مجوز سرمایه‌گذاری مشخص می‌شود که از سوی دولت سرمایه‌پذیر به سرمایه‌گذار خارجی اعطا می‌شود. بدون عقد قرارداد سرمایه‌گذاری خارجی، حقوق سرمایه‌گذار خارجی که به موجب مجوز به وجود آمده است در چارچوب حقوق عمومی کشور سرمایه‌پذیر مورد تفسیر، اعمال یا حتی تغییر واقع می‌شود و این حقوق اعطایی ممکن است دستخوش تغییراتی شوند که برای سرمایه‌گذار مطلوب نباشد. حقوق بین‌الملل عرفی و خصوصاً معاهدات سرمایه‌گذاری موجب پیدایش مقرراتی شده‌اند که تا اندازه زیادی زمینه تغییر غیرمجاز و یک‌طرفه مفاد مجوز سرمایه‌گذاری را محدود کرده‌اند، اما این قرارداد سرمایه‌گذاری است که حتی در نبود معاهده سرمایه‌گذاری نیز سبب تثبیت واقعی حقوق مکاتبه سرمایه‌گذار خارجی می‌شود و امکان وارد کردن شروطی چون قانون حاکم و شرط داوری را در نظام حقوق و تکالیف طرفین سرمایه‌گذاری خارجی فراهم می‌آورد و وجود قرارداد سرمایه‌گذاری خارجی سبب می‌شود،

جدول ۲. موضوع، مصادیق، جایگاه و کارکرد قراردادهای سرمایه‌گذاری خارجی

کارکرد	جایگاه	مصادیق	موضوع
تعیین حقوق و تعهدات طرفین و تثبیت قانونی ارتباطات اقتصادی	چارچوب اصلی شکل‌دهی توافقات سرمایه‌گذاری	یک شخص خصوصی خارجی از سوی دیگر شخص مجوز سرمایه‌گذاری، آیین‌نامه‌ها، بخشنامه‌ها، احکام اداری	طرفین سرمایه‌گذاری خارجی
ایجاد حقوق اولیه سرمایه‌گذار؛ اما قابل تغییر و محدودیت دارد	حقوق عمومی سرمایه‌پذیر	صدور مجوز سرمایه‌گذاری، آیین‌نامه‌ها، بخشنامه‌ها، احکام اداری	شکل‌گیری سرمایه‌گذاری بدون قرارداد
تثبیت حقوق مکتسبه، امکان تعیین قانون حاکم و شرط داوری، کاهش تأثیر حقوق عمومی بر قرارداد	زیرساخت حقوقی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی	ساخت، بهره‌برداری، انتقال، بیع متقابل، مشارکت مدنی	قراردادهای سرمایه‌گذاری خارجی
قانونی کردن فعالیت اقتصادی دولت و بخش خصوصی، تسهیل مشارکت در پروژه‌های اقتصادی	بخشی از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی	ترتیبات قراردادی مورد حمایت قانون ایران	سرمایه‌گذاری در چارچوب ترتیبات قراردادی

قراردادهای تجاری به‌عنوان ابزار مهم انتقال سرمایه در روابط تجاری همچنان نقش اساسی خود را در صحنه بین‌المللی حفظ کرده‌اند. کمتر رابطه تجاری را می‌توان سراغ گرفت که در آن قرارداد نقش عمده‌ای را بازی نکند (Ghorbanian & Beyranvand Nik, 2016). هر قرارداد تجاری که آن را افراد برای انجام اعمال تجاری خود منعقد می‌کنند، جنبه الزامی دارند و موظف به انجام آن هستند. در قراردادهای بین‌المللی تفاوتی با قراردادهای داخلی وجود ندارد و تنها تفاوت آن در وجود طرفین در تابعیت‌های مختلف و از کشورها است که اتباع آنچه در قالب شخص حقیقی و چه در قالب شخص حقوقی، اقدام به انعقاد قرارداد با یکدیگر می‌کنند، برای همین منظور، قرارداد بین‌المللی دارای یک عنصر خارجی است؛ پس قرارداد بین‌المللی عبارت است از: قراردادی که در آن اشخاص با تابعیت‌های مختلف از کشورهای دیگر اقدام به تنظیم قرارداد خصوصی بین خود می‌کنند. به عبارت دیگر قرارداد بین‌المللی را می‌توان هر نوع توافقی دانست که با وصف دادوستد کالا، خدمات، مبادله محصولات فکری، موافقت‌نامه‌های سرمایه‌گذاری، اعطای امتیاز یا قراردادهای خدمات حرفه‌ای و مشابه آن در روابط تجاری بین‌المللی منعقد می‌شود (Habibi, 2015).

ماهیت قراردادهای سرمایه‌گذاری خارجی

ماهیت دوگانه قراردادهای دولتی و سرمایه‌گذاری خارجی غیرقابل انکار است. ریشه الزامات، تفسیر حقوق و تعیین تکالیف طرفین در این قراردادها را نمی‌توان صرفاً در نظام حقوق خصوصی جست‌وجو کرد، چرا که در حقوق خصوصی، ضرورت اجرای تعهدات قراردادی مانع تغییر یک‌جانبه قرارداد یا شانه خالی کردن از انجام تعهدات می‌شود و معافیت از اجرای تعهدات تنها در موارد بسیار محدود، مانند فورس ماژور، امکان‌پذیر است (Tabataba'i Motamani, 2006). در حالی که اعمال چنین چارچوب سختگیرانه‌ای برای تعهدات دولت در قراردادهای دولتی یا سرمایه‌گذاری خارجی، ممکن است به زیان منافع عمومی و بخشی از جامعه باشد. بر همین اساس، بسیاری از صاحب‌نظران بر این باورند که دولت، به‌عنوان طرف قرارداد سرمایه‌گذاری، می‌تواند در شرایطی که منافع عمومی ایجاب می‌کند و با رعایت تشریفات قانونی، از الزام سفت‌وسخت به اجرای تعهدات قراردادی که در حقوق خصوصی مرسوم است تخطی نماید. با این وجود، قراردادهای سرمایه‌گذاری نیز صرفاً بر اصول حقوق عمومی مبتنی نیستند، زیرا حقوق عمومی بر منافع جامعه برتری دارد و پذیرش مطلق این دیدگاه در حقوق سرمایه‌گذاری خارجی قابل اجرا نیست. در تحلیل ماهیت قرارداد سرمایه‌گذاری خارجی، می‌توان دو مرحله تفکیکی قائل شد: نخست، مرحله پیدایش قرارداد که بر اساس مجوزها و قوانین دولت میزبان شکل می‌گیرد

تحقق اهداف کلان، مانند عدالت اقتصادی، رفاه عمومی، رشد و توسعه اقتصادی به کار می‌گیرد (Lajugie & Ziaian, 1976; Mir-Moezi, 2001).

تحلیل سنتی سیستم‌های اقتصادی بر مقایسه اقتصادهای بازار و برنامه‌ریزی‌شده و نیز تمایز سرمایه‌داری و سوسیالیسم متمرکز بود، اما با گذر زمان، طبقه‌بندی نظام‌های اقتصادی گسترش یافته و مدل‌های ترکیبی، به‌ویژه اقتصاد مختلط بازار محور، شکل غالب سازمان‌دهی اقتصادی در سطح جهان شده است. یک نظام اقتصادی از نظر سلسله مراتبی با نظام‌های سیاسی، حقوقی و فرهنگی هم‌ردیف است و بسیاری از عناصر آن با سایر نظام‌ها همپوشانی دارند. به‌عنوان مثال، اقتصاد مختلط شامل عناصری از چند سیستم اقتصادی است و بر دو ستون اصلی استوار است: مالکیت و ساختار اقتصادی، که در همه کشورها به‌صورت ترکیبی از مالکیت عمومی و خصوصی و ساختارهای دولتی و آزاد اقتصادی وجود دارد.

در کشورهای با اقتصاد دولتی، اصلاح ساختار اقتصادی و ایجاد مراحل آزادسازی، بازارسازی و خصوصی‌سازی از اهمیت بالایی برخوردار است. آزادسازی شامل کاهش دخالت دولت، ایجاد فضای رقابتی و کاهش موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای است. بازارسازی به معنای تطبیق فعالیت‌های اقتصادی با قوانین عرضه و تقاضا برای هدایت منابع به سمت مزیت نسبی است و نهایتاً خصوصی‌سازی، انتقال مالکیت عمومی به بخش خصوصی را در بر می‌گیرد، البته با رعایت پیش‌شرط تحقق بازارسازی برای جلوگیری از رکود یا تضييع منابع (Kanani, 2011).

سرمایه‌گذاری، به‌ویژه سرمایه‌گذاری خارجی، ستون اصلی تولید، ثبات و رشد اقتصادی است. این سرمایه‌گذاری نه تنها به تحریک تقاضا و افزایش ظرفیت‌های تولیدی بلندمدت کمک می‌کند، بلکه انتقال تکنولوژی، ایجاد اشتغال، بهبود کیفیت تولیدات و توسعه دانش مدیریتی و فنی را نیز به همراه دارد. سرمایه‌گذاری خارجی به‌عنوان شاخص جهانی‌شدن اقتصاد و موتور محرکه توسعه

و می‌توان آن را در چارچوب حقوق عمومی تفسیر کرد؛ دوم، مرحله پس از انعقاد قرارداد که نظام حقوقی حاکم بر حقوق و تعهدات طرفین و ضمانت اجرای تخلف از تعهدات، شباهت زیادی به نظام حقوقی حقوق خصوصی دارد (Rezaeizadeh, 2008).

در خصوص تبیین نظام حقوقی حاکم بر قراردادهای سرمایه‌گذاری خارجی، باید گفت الزام دولت به ایفای تعهدات قراردادی همواره با محدودیت‌هایی همراه است، در حالی که در بسیاری از نظام‌های حقوقی، اشخاص غیر دولتی موظف به اجرای تعهدات و شروط قراردادی خود می‌شوند. بنابراین، تمایز اصلی قرارداد سرمایه‌گذاری خارجی با قراردادهای مرسوم حقوق خصوصی نه در ماهیت، بلکه در حضور دولت به‌عنوان طرف قرارداد است که با ابزارهای قانون‌گذاری و حاکمیتی خود، ریسک‌ها و خطرات احتمالی را بر طرف خصوصی تحمیل می‌کند. با توجه به این تحلیل، مداخلات دولت ممکن است همیشه مجاز یا قانونی نباشد، اما وجود این خطرها و ریسک‌ها، همان ویژگی‌ای است که قرارداد سرمایه‌گذاری خارجی را از قراردادهای متعارف حقوق خصوصی متمایز می‌سازد و اهمیت پیش‌بینی سازوکارهای تثبیت حقوق و تضمین اجرای تعهدات را در این نوع قراردادها آشکار می‌کند.

ضرورت جذب سرمایه خارجی

یک نظام اقتصادی را می‌توان به‌عنوان سیستمی نظارتی در نظر گرفت که وظیفه کنترل و هدایت جنبه‌های مختلف تولید و توزیع، از جمله سرمایه، نیروی کار، زمین و سایر منابع فیزیکی را بر عهده دارد. در این نظام، مجموعه‌ای از نهادها، سازمان‌ها و مراجع تصمیم‌گیری نقش حیاتی ایفا می‌کنند و الگویی مشخص برای استفاده و مصرف منابع شکل می‌دهند که ساختار اجتماعی و اقتصادی جوامع را تعیین می‌کند. به بیان دیگر، نظام اقتصادی مجموعه‌ای هماهنگ از نهادهای اجتماعی و حقوقی است که ابزارها و منابع سازمان‌یافته‌ای را به‌منظور ایجاد تعادل اقتصادی و

اقتصادی، نقش حیاتی در پیوند اقتصاد داخلی با اقتصاد جهانی ایفا می‌کند و جذب آن به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه، از اهمیت راهبردی برخوردار است (Alidousti Shahraki, 2010; Kiani & Rahim Baghban, 2020; Piran, 2010). با وجود تاکید قوانین و سیاست‌های کلی نظام بر تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری، وضعیت جذب سرمایه‌گذاری خارجی در ایران با ظرفیت‌های بالقوه کشور همخوانی ندارد. این ناکامی نه‌تنها ناشی

از محدودیت‌های اقتصادی بلکه به خلأها و نارسایی‌های قانونی و حقوقی بازمی‌گردد. بنابراین، تحلیل و اصلاح نظام حقوقی سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی کشور می‌تواند به توسعه و پیشرفت چشمگیر این حوزه کمک شایان توجهی نماید و نقش سرمایه‌گذاری در رشد و توسعه اقتصادی را به‌طور مؤثر تقویت کند.

جدول ۳. مراحل کلان نظام اقتصادی و ارتباط آن با سرمایه‌گذاری خارجی

ارتباط با سرمایه‌گذاری خارجی	سازوکار اقتصادی	هدف کلان	مرحله
سرمایه‌گذاران خارجی انگیزه بیشتری برای ورود به بازار پیدا می‌کنند؛ ریسک اقتصادی کاهش می‌یابد	کاهش یارانه‌ها، کاهش تعرفه‌ها و موانع غیرتعرفه‌ای	کاهش مداخله دولت، ایجاد فضای رقابتی	مرحله اول: آزادسازی
افزایش شفافیت و پیش‌بینی‌پذیری برای سرمایه‌گذاری مستقیم و بلندمدت خارجی	تطبیق بنگاه‌های دولتی با قوانین بازار	هدایت منابع به سمت مزیت نسبی، عملکرد مبتنی بر عرضه و تقاضا	مرحله دوم: بازارسازی/تجاری‌سازی
بخش خصوصی داخلی و خارجی توانمند در سرمایه‌گذاری بلندمدت و مشارکت در پروژه‌ها	فروش سهام و واگذاری بنگاه‌ها به بخش خصوصی	انتقال مالکیت عمومی به بخش خصوصی	مرحله سوم: خصوصی‌سازی
جذب سرمایه‌گذاری خارجی با هدف تولید، صادرات و توسعه بازارهای بین‌المللی	اصلاح قوانین گمرکی، حقوق مالکیت، شفافیت و زیرساخت‌های تجاری	توسعه تجارت و رونق اقتصادی	مرحله چهارم: تسهیل تجارت

انواع سرمایه‌گذاری خارجی

سرمایه‌گذاری بر دو قسم تقسیم می‌گردد:

الف) بر اساس شخص سرمایه‌گذار که خود به سرمایه‌گذاری عمومی خارجی و خصوصی خارجی تقسیم می‌شود:

۱) سرمایه‌گذاری عمومی خارجی: به آن نوع سرمایه‌گذاری که توسط دولت‌ها، به مفهوم اخص یا توسط سازمان‌های بین‌المللی صورت می‌گیرد مانند برخی از طرح‌های توسعه‌ای یا بازرگانی که به حیات اقتصادی یک کشور بستگی دارد و توسط دولت سرمایه‌گذاری می‌شود.

۲) سرمایه‌گذاری خصوصی خارجی: این نوع سرمایه‌گذاری به مفهوم اخص توسط اشخاص حقیقی و حقوقی خصوصی انجام می‌پذیرد و یکی از منابع بسیار مهم سرمایه‌گذاری بوده که در کشورهای پیشرفته بخش مهم تأمین مالی محسوب می‌شود،

شاخصه اصلی این نوع سرمایه‌گذاری تحصیل سود و عدم دخالت دولت می‌باشد.

ب) بر اساس روش سرمایه‌گذاری به سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و سرمایه‌گذاری غیرمستقیم خارجی تقسیم می‌شود:

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی: سرمایه‌گذاری فیزیکی است که شامل احداث کارخانه، خرید ساختمان و سایر تجهیزات موردنیاز تأسیس شرکت و یا پروژه در کشور خارجی می‌باشد. این نوع سرمایه‌گذاری به‌عنوان یک سرمایه‌گذاری بلندمدت در نظر گرفته‌شده و موجب رشد اقتصادی در کشور میزبان می‌شود.

سرمایه‌گذاری غیرمستقیم خارجی یا (پورتفولیو): این نوع سرمایه‌گذاری خارجی در سطح بین‌المللی از مشکلات حقوقی کمتری برخوردار است. زیرا حتی اگر از نظر حجم و رقم قابل‌توجه باشد، سرمایه‌گذار ارتباط مستقیمی با کشور محل سرمایه‌گذاری ندارد و به دو شیوه اعمال می‌گردد یکی از طریق

و سازمان ذی ربط مجاز خواهد بود. برای درک دقیق تر مفهوم بیع متقابل، ناگزیر از بازگشت به تعریف بیع در قانون مدنی ایران و تفاوت آن با بیع متقابل هستیم. ماده ۳۳۸ قانون مدنی ایران بیع را چنین تعریف کرده است: «بیع عبارت است از تملیک عین به عوض معلوم». از این تعریف، سه ویژگی اصلی بیع قابل استخراج است: تملیکی بودن، معوض بودن و عین معین بودن مبیع. تملیکی بودن بدان معناست که انتقال مبیع به خریدار و ثمن به فروشنده با ایجاب و قبول واقع می شود؛ به گونه ای که با توافق طرفین، مبیع و ثمن خودبه خود مبادله می شوند و نیازی به اقدام دیگری ندارد (Katouzian, 1999; Shahidi, 1998). معوض بودن به این معناست که عین مالی که فروخته می شود، در مقابل مال دیگر (که معمولاً پول است) مبادله می شود و این ویژگی بیع را از عقود رایگان متمایز می سازد (Katouzian, 1999). همچنین، مبیع باید عین باشد؛ یعنی مالی مادی و محسوس که به طور مستقل مورد دادوستد قرار گیرد (Katouzian, 1999). علاوه بر این، حقوقدانان «لازم بودن عقد بیع» را نیز از ویژگی های آن می دانند (Katouzian, 1999). با توجه به ماده ۱۰ قانون مدنی ایران، قراردادهای خصوصی نسبت به طرفین خود نافذ هستند، مشروط بر اینکه مخالف قانون نباشند. بنابراین، قرارداد بیع متقابل که از دسته قراردادهای نامعین است، نوعی قرارداد خصوصی میان دو شخص حقیقی یا حقوقی است که بر اساس اصل آزادی قراردادها و حاکمیت اراده طرفین منعقد می شود و نسبت به طرفین نافذ و معتبر است.

ممکن است ایرادی مطرح شود که شرط پرداخت سود و بهره به شرکت های خارجی در بیع متقابل با شریعت و قانون مخالف است و در نتیجه قرارداد نافذ نیست. این اشکال را می توان با سه استدلال پاسخ داد:

خرید اوراق مشارکت که مصداق آن خرید اسناد تجاری، گواهی های سپرده بانکی، اوراق مشارکت دولتی و دیگری از طریق سرمایه نقدی مانند خرید مستقیم سهام شرکت در کشورهای خارجی.

انواع سرمایه گذاری مستقیم: بیع متقابل

براساس بند ۶ ماده ۱ آیین نامه چگونگی قراردادهای بیع متقابل غیرنفتی مصوب ۱۳۷۹/۱۱/۹، سرمایه گذار «هر شخص حقیقی یا حقوقی است که سرمایه یا تسهیلات ارزی مورد نیاز سرمایه پذیر را در قالب قرارداد بیع متقابل و به منظور تأمین کالا و خدمات ارائه می کند». اگرچه قانون گذار تعریفی از بیع متقابل ارائه نکرده است، ولی ماده ۲ همان آیین نامه با اصلاحات بعدی، بیع متقابل را به عنوان یک معامله دوجانبه تعریف می کند و بیان می دارد که بیع متقابل شامل مجموعه ای از روش های معاملاتی است که در آن سرمایه گذار تعهد می کند تمام یا بخشی از تسهیلات مالی، چه نقدی و چه غیرنقدی، را برای تأمین کالاها و خدمات مورد نیاز سرمایه پذیر (شامل کالاهای سرمایه ای، واسطه ای، مواد اولیه یا خدمات) جهت ایجاد، توسعه، بازسازی و اصلاح واحد تولیدی یا خدماتی در اختیار وی قرار دهد و بازپرداخت تسهیلات، شامل اصل و هزینه های تبعی، از محل صدور کالاها و خدمات تولیدی سرمایه پذیر دریافت شود. مطابق ماده ۳ آیین نامه، منابع و تسهیلات دریافتی در قالب بیع متقابل مشمول تضمین های قانون جلب و حمایت از سرمایه های خارجی است: «این منابع و تسهیلات مشمول ضوابط، مقررات، پوشش و تضمین های قانون یادشده هستند و در مقابل مصادره یا ملی شدن، سلب مالکیت سرمایه گذار و تغییر تصمیمات و قوانین دولتی که منجر به ممنوعیت صادرات شود، تضمین لازم صادر خواهد شد». همچنین، ماده ۱۳ آیین نامه مقرر می دارد که هرگونه اصلاح، تغییر یا تمدید قرارداد که موجب تغییر تعهدات مالی طرفین شود، تنها پس از اعلام نظر سازمان سرمایه گذاری و کمک های اقتصادی و فنی ایران و تأیید وزارتخانه

۱) اگر فرض شود که پرداخت سود به شرکت خارجی باطل است، این امر موجب بطلان کل قرارداد نمی‌شود و قرارداد همچنان مشمول ماده ۱۰ قانون مدنی خواهد بود.

۲) حرمت پرداخت چنین سودی که صرفاً تولیدی و عملیاتی است، در فقه محل تردید است و بنا بر فتاوی برخی فقهای اخیر، سود تولیدی از شمول ربا خارج است.

۳) پرداخت سود سرمایه‌گذاری بر اساس مصلحت اقتصادی و الزامات جهانی توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام، مشروع و قانونی شناخته شده است (Saber, 2007).

بیع متقابل برای بازخرید محصول به کار می‌رود و معنای آن با بیع مطلق در قانون مدنی متفاوت است؛ یکی از ویژگی‌های مهم آن، ارتباط تولیدی بین کالاها و خدمات صادراتی و کالاها و خدمات بازخرید شده است. این قرارداد، نهادی متفاوت از بیع در سایر نهادهای قانونی داخلی و خارجی محسوب می‌شود و صرفاً برای جذب و تشویق سرمایه‌گذاری خارجی جهت توسعه اقتصادی و حفظ منافع ملی استفاده می‌شود. بیع متقابل در ادبیات تجارت متقابل چنین تعریف شده است: «مجموعه‌ای از روش‌های تجاری که در آن صادرکننده یا واردکننده متعهد می‌شود در ازای کالا یا خدمات صادره، خدماتی به ارزش کل معامله یا بخشی از آن خریداری یا صادر نماید» (Ashrafzadeh et al., 1991).

همچنین، کمیسیون اقتصادی ملل متحد برای اروپا، بیع متقابل را این‌گونه تعریف کرده است: «موضوع معامله اولیه عبارت است از ماشین‌آلات، تجهیزات، حق اختراع، دانش فنی یا کمک‌های فنی که برای استقرار تسهیلات تولیدی به کار می‌رود و فروشنده متعاقباً تولیدات حاصل را از خریدار اولیه خریداری می‌کند» (Hassan, 2002).

(Beigi, 2002).

در این نوع معامله، در ابتدا دولت به‌عنوان خریدار سرمایه و خدمات فنی یک پروژه عمل می‌کند و سرمایه‌گذار فروشنده است. پس از موفقیت پروژه، نقش‌ها تغییر می‌کند؛ دولت فروشنده محصول پروژه می‌شود و سرمایه‌گذار خریدار آن. از این رو، نام بیع متقابل به این نوع معامله اطلاق می‌شود، چرا که هر دو طرف هم خریدار و هم فروشنده هستند. بیع متقابل معمولاً در کشورهایی کاربرد دارد که مسیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی محدود است و راهی برای دور زدن محدودیت‌ها و جذب سرمایه لازم فراهم می‌کند. در صنعت نفت ایران، با توجه به ممنوعیت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، این مدل حقوقی به کار گرفته شد تا امکان جلب سرمایه‌گذاری با کمترین بار مالی فراهم شود. سرمایه‌گذار خارجی هدفش استخراج و تأمین تولید و فروش آن از طریق کانال‌های خود است (Taghavi, 1991).

بیع متقابل در ایران تنها محدود به صنعت نفت و گاز نیست و دولت، معاملات به این سبک را در سایر بخش‌های اقتصادی نیز تشویق می‌کند. در اسناد قانونی، این قرارداد به عنوان Buy-Back یا خرید متقابل شناخته شده است و در قوانین سرمایه‌گذاری خارجی مصوب ۱۳۸۰ و آیین‌نامه‌های اجرایی بعدی به صورت صریح به رسمیت شناخته شده است. به‌طور خلاصه، بیع متقابل از دو یا چند قرارداد مجزا تشکیل می‌شود: قرارداد نخست خرید تکنولوژی، تجهیزات و خدمات از سوی کشور سرمایه‌پذیر و قراردادهای بعدی فروش محصولات تولیدی همان سرمایه‌گذاری به کشور یا شرکت سرمایه‌گذار برای استهلاك هزینه‌ها، سود سرمایه و بهره مربوط به سرمایه‌گذار است.

جدول ۴. مقایسه بیع در قانون مدنی و بیع متقابل در سرمایه‌گذاری خارجی

کارکرد حقوقی و اقتصادی	بیع متقابل	بیع در قانون مدنی ایران	موضوع
ترکیب حقوق خصوصی و عمومی؛ ابزار جذب سرمایه خارجی	قرارداد دوجانبه با هدف تولید و بازپرداخت از محل صادرات محصول	عقد تملیکی، معوض و عینی؛ انتقال مالکیت در لحظه عقد	ماهیت
تعامل میان دولت و بخش خصوصی بین‌المللی	سرمایه‌گذار خارجی و دولت یا شرکت دولتی کشور میزبان	فروشنده و خریدار (اشخاص طرفین خصوصی)	
انتقال تکنولوژی و تأمین مالی پروژه‌های توسعه‌ای	تأمین سرمایه، تجهیزات یا فناوری در برابر بازخرید محصول	انتقال مال معین یا کلی در مقابل ثمن نقدی	موضوع قرارداد
کاهش ریسک دولت، تضمین سود سرمایه‌گذار، جایگزین سرمایه‌گذاری مستقیم	شامل چند قرارداد (تأمین، تولید، بازخرید)، بازپرداخت غیرنقدی، دارای ضمانت‌های حمایتی	انتقال فوری مالکیت، لزوم وفای به عقد، تابع قانون مدنی	ویژگی‌ها و آثار

اقسام تجارت متقابل

از آنجاکه بیع متقابل یکی از شیوه‌های اساسی در چارچوب تجارت متقابل به شمار می‌رود، ابتدا لازم است مفهوم و اقسام تجارت متقابل به روشنی تبیین شود. اشمیتوف در تعریف تجارت متقابل می‌نویسد:

«تجارت متقابل مجموعه‌ای از روش‌های گوناگون ارتباط میان دو معامله صادراتی است که یکی از آن‌ها از کشور صادرکننده و دیگری از کشور واردکننده نشئت می‌گیرد. ساده‌ترین اشکال این نوع تجارت، معاملات فروش متقابل و تهاتری است» (Schmitthoff & Akhlaghi, 1999).

به عبارت دیگر، تجارت متقابل نوعی ترتیب قراردادی است که بر اساس آن، فروشنده کالا یا خدمات تعهد می‌کند تمام یا بخشی از بهای معامله را از طریق خرید کالا یا خدمات از خریدار اصلی جبران نماید. در این معنا، تجارت متقابل به عنوان چتری مفهومی، مجموعه‌ای از شیوه‌های گوناگون مبادلات بین‌المللی را دربرمی‌گیرد که در آن، پرداخت‌ها نه صرفاً به صورت نقدی بلکه به شکل کالا یا خدمات انجام می‌شود (Asgharzadeh, 1994, 1995). در کشورهای درحال توسعه، تمایل به بهره‌گیری از این روش به دلایلی چون کمبود ارزهای معتبر، ضعف در جذب سرمایه‌گذاری خارجی، فقدان فناوری پیشرفته، نیاز به اشتغال‌زایی و توسعه زیرساخت‌های اقتصادی افزایش یافته است. یکی از

مهم‌ترین انگیزه‌ها در این نوع از تجارت، کاهش وابستگی به

ارزهای خارجی و در امان ماندن از نوسانات نرخ ارز است. افزون بر این، استفاده از تجارت متقابل برای کشورهای کوچک و درحال توسعه مزیت دیگری نیز دارد: این کشورها می‌توانند از شبکه‌های بازاریابی و سیستم توزیع کشورهای توسعه‌یافته بهره‌مند شوند، بدون آن‌که نیاز به سرمایه‌گذاری کلان در حوزه بازاریابی بین‌المللی داشته باشند. این امر، از یک سو ریسک تولید و انبارداری را کاهش داده و از سوی دیگر پایداری تقاضا برای محصولات تولیدی را تضمین می‌کند. در نتیجه، تجارت متقابل (چه با هدف کسب منافع اقتصادی بیشتر و چه به منظور جلوگیری از زیان یا کمبود منابع ارزی) دارای ویژگی‌ها و کارکردهای منحصر به فردی است که آن را از سایر اشکال مبادلات تجاری متمایز می‌سازد (Asgharzadeh, 1995).

برخی نویسندگان معامله‌ی تهاتری را چنین تعریف کرده‌اند: مبادله‌ای دوطرفه که بدون استفاده از ارز خارجی انجام می‌گیرد. این روش به عنوان قدیمی‌ترین و ساده‌ترین نوع از شیوه‌های تجارت متقابل شناخته می‌شود. انگیزه‌ی اصلی انعقاد چنین قراردادهایی معمولاً آن است که یکی یا هر دو طرف معامله با کمبود ارز معتبر یا غیرقابل تبدیل بودن ارز داخلی مواجه‌اند؛ از این رو، این نوع معاملات در میان کشورهای درحال توسعه یا دارای اقتصاد ضعیف‌تر رواج بیشتری دارد (Asgharzadeh, 1995).

1995). گروهی دیگر از حقوقدانان بر این باورند که هرگاه قرارداد مبتنی بر مبادله کالا با کالا باشد، از منظر حقوقی، در زمره معاملات تهاتری قرار می‌گیرد و نه در قالب «بیع» (Schmitthoff & Akhlaghi, 1999).

دکتر نصیری، قراردادهای تهاتری را به واژه‌ی معاوضه ترجمه کرده و بیان داشته‌اند که این نوع قراردادها معمولاً در مواردی مورد استفاده قرار می‌گیرند که خریدار، در قبال دریافت ماشین‌آلات یا کالاهای صنعتی، محصولات کشاورزی یا مواد اولیه تحویل می‌دهد (Nasiri, 1991). با این حال، به نظر می‌رسد واژه‌ی «معاوضه» برای اشاره به این دسته از قراردادها چندان دقیق نباشد؛ زیرا ممکن است با مفهوم قرارداد معاوضه در قانون مدنی ایران خلط شود. در

همین راستا، برخی دیگر از نویسندگان حقوقی معتقدند که کاربرد اصطلاح تهاتر برای اشاره به همه‌ی اشکال تجارت متقابل صحیح نیست، چراکه تهاتر تنها یکی از انواع آن بوده و با ماهیت حقوقی توافقی‌های پیچیده‌تر تجاری مطابقت ندارد. افزون بر این، در برخی منابع، قراردادهای تهاتری با عنوان قراردادهای جبرانی نیز شناخته می‌شوند؛ زیرا تحویل کالا از سوی یکی از طرفین، به منزله‌ی جبران تحویل کالا یا خدمات از سوی طرف مقابل است. در چنین شرایطی، اگر یکی از طرفین از اجرای تعهد خود مطابق مفاد قرارداد خودداری کند، طرف دیگر نیز می‌تواند اجرای تعهد خویش را معلق یا متوقف سازد (Schmitthoff & Akhlaghi, 1999).

جدول ۵. مقایسه دیدگاه‌های حقوقدانان درباره ماهیت و مفهوم قراردادهای تهاتری

نکته انتقادی یا تحلیلی	ویژگی‌های کلیدی از دیدگاه نویسنده	تعریف یا برداشت از قرارداد تهاتری	حقوقدان / منبع
تعبیر «قرارداد جبرانی» را نزدیک‌تر به مفهوم واقعی تهاتر می‌داند و بر وابستگی دو معامله تأکید دارد.	—مبادله کالا با کالا بدون جریان ارز خارجی— تحویل متقابل کالا به‌عنوان جبران تعهد طرف دیگر— در صورت تخلف یکی از طرفین، طرف مقابل نیز می‌تواند تعهد خود را معلق کند.	قرارداد تهاتری را گونه‌ای از تجارت متقابل می‌داند که در آن، دو معامله صادراتی و وارداتی به هم وابسته‌اند؛ یکی از کشور صادرکننده و دیگری از کشور واردکننده ناشی می‌شود.	اشمیتوف (۱۳۷۸)
تعریف وی بر جنبه‌ی اقتصادی و عملیاتی معامله متمرکز است و کمتر به ساختار حقوقی آن می‌پردازد.	—ساده‌ترین و قدیمی‌ترین شکل تجارت متقابل— رواج در کشورهای درحال توسعه یا دارای اقتصاد ضعیف— هدف: جبران کمبود ارز معتبر و تسهیل مبادلات	تهاتر را شکلی از مبادله‌ی دوطرفه بدون استفاده از ارز خارجی می‌داند که ریشه در کمبود ارز یا غیرقابل تبدیل بودن آن دارد.	اصغرزاده (۱۳۷۴)
ترجمه «معاوضه» ممکن است با مفهوم حقوقی «عقد معاوضه» در قانون مدنی ایران اشتباه گرفته شود؛ لذا دقت در کاربرد واژه ضروری است.	—مبادله مستقیم کالاها— غالباً در تجارت بین کشورها با نیاز متقابل— نمونه‌ای از قراردادهای ساده و متوازن	قراردادهای تهاتری را به «معاوضه» ترجمه کرده و مصادیق آن را در مبادله کالاهای صنعتی با محصولات کشاورزی یا مواد اولیه می‌داند.	نصیری (۱۳۷۰)
واژه «تهاتری» مناسب‌تر از «معاوضه» است؛ زیرا ضمن پرهیز از خلط مفهومی، با رویه‌ی بین‌المللی سازگارتر است.	—ترکیب ویژگی‌های اقتصادی و حقوقی— مبتنی بر اصل توازن تعهدات متقابل— قابل تطبیق با اصول حسن نیت و اجرای متقابل تعهدات	قرارداد تهاتری نوعی توافق جبرانی میان دو طرف است که بدون جریان نقدی ارزی، مبادله کالا و خدمات را ممکن می‌سازد.	تحلیل نگارنده

قراردادهای خرید متقابل

در قراردادهای خرید متقابل، دو طرف یعنی فروشنده و خریدار در قالب یک معامله اولیه توافق می‌نمایند که فروشنده متعاقباً کالاهای

یا محصولات را از خریدار یا از شخص ثالثی در کشور خریدار خریداری کند. در برخی موارد نیز، خرید متقابل ممکن است از طریق شخص ثالثی انجام شود که به‌عنوان واسطه یا نماینده یکی

تبادل در جریان متقابل تجارت و تسهیل پرداخت‌ها در سطح بین‌المللی است (Saber, 2007).

نتیجه‌گیری

جنبه‌های اقتصادی مؤثر در سرمایه‌گذاری و ضرورت ایجاد و احیای بسترهای مناسب اقتصادی، از ارکان اصلی توسعه پایدار و رشد تولید ملی به شمار می‌آیند. در شرایط کنونی که اقتصاد جهانی مبتنی بر رقابت و جریان آزاد سرمایه است، کشورها ناگزیرند با اتخاذ سیاست‌های حقوقی و اقتصادی کارآمد، محیطی جذاب و امن برای سرمایه‌گذاران خارجی فراهم آورند. تجربه کشورهای توسعه‌یافته و حتی در حال توسعه نشان داده است که بدون سرمایه‌گذاری در پروژه‌های زیربنایی و روبنایی، نمی‌توان انتظار داشت که اشتغال، تولید، فناوری و رفاه عمومی گسترش یابد.

در کنار منابع طبیعی غنی و نیروی انسانی کارآمد، سرمایه خارجی یکی از عوامل کلیدی است که در ترکیب با سایر عوامل تولید، موجب تحرک اقتصادی، ارتقای بهره‌وری و انتقال فناوری می‌شود. از این رو، دولت‌ها موظف‌اند زمینه‌های حقوقی، اقتصادی و نهادی لازم برای ورود و حمایت از سرمایه خارجی را فراهم کنند. تدوین قوانین جامع و شفاف در زمینه سرمایه‌گذاری خارجی، به‌ویژه با تأکید بر تضمین حقوق سرمایه‌گذار، شرط اساسی برای ایجاد اعتماد و اطمینان در سرمایه‌گذاران است.

در نظام حقوقی ایران نیز، هرچند قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی مصوب ۱۳۸۱ و آیین‌نامه اجرایی آن گامی مهم در جهت نظام‌مند کردن ورود سرمایه خارجی به کشور بوده است، اما چالش‌هایی همچون ابهام در تعریف سرمایه، سرمایه‌گذار و سرمایه‌گذاری خارجی، فقدان رویه واحد در تفسیر قراردادهای سرمایه‌گذاری و دوگانگی در ماهیت حقوقی این قراردادها (میان حقوق عمومی و خصوصی) همچنان پابرجاست. رفع این چالش‌ها نیازمند بازنگری دقیق در ساختار حقوقی حاکم بر سرمایه‌گذاری و انطباق آن با استانداردهای بین‌المللی است.

از طرفین عمل می‌نماید. در این شیوه، بهای هر دو جریان کالا (اعم از محصولات فروخته‌شده در معامله نخست و کالاهای خریداری‌شده در معامله دوم) به پول پرداخت می‌شود، نه به‌صورت کالا به کالا؛ با این حال ارزش این دو جریان الزاماً برابر نیست و ممکن است مبلغ محصولات خریداری‌شده در قرارداد خرید متقابل کمتر، مساوی یا بیشتر از ارزش کالای اولیه باشد.

قراردادهای خرید متقابل معمولاً از دو قرارداد مستقل تشکیل می‌شوند که به‌وسیله پروتکلی الحاقی به یکدیگر مرتبط می‌گردند. قرارداد نخست از حیث ساختار و ماهیت، مشابه قراردادهای عادی خرید و فروش بین‌المللی است و از نظر حقوقی تفاوت اساسی با معاملات نقدی ندارد. اما قرارداد دوم، که موضوع اصلی خرید متقابل را تشکیل می‌دهد، معمولاً پیچیده‌تر و گسترده‌تر است. در این قرارداد دوم، اگرچه هدف، خرید کالاهای مشخص با قیمت معین است، ولی در عمل به‌جای ذکر صریح نام کالاها، معمولاً فهرستی از اقلام صادراتی یا قابل عرضه تعیین می‌شود و به‌جای درج قیمت ثابت، فرمول‌ها یا معیارهای قیمت‌گذاری شناور قید می‌گردد تا امکان انطباق با شرایط بازار فراهم باشد.

تفاوت بنیادین قرارداد خرید متقابل با بیع متقابل در این است که در خرید متقابل، ارتباط مستقیم و الزامی میان کالای فروخته‌شده در معامله اول و کالای خریداری‌شده در معامله دوم وجود ندارد؛ یعنی فروشنده در معامله دوم می‌تواند هر کالایی را از خریدار خریداری کند، بدون آنکه الزاماً با کالای نخست ارتباط تولیدی یا فنی داشته باشد. در مقابل، در قرارداد بیع متقابل فروشنده ماشین‌آلات، تجهیزات و فناوری، متعهد می‌گردد محصولاتی را که توسط همان تجهیزات تولید می‌شود، از خریدار بازخرد نماید. به‌طور خلاصه، قرارداد خرید متقابل ترکیبی از دو قرارداد مستقل است که از طریق پروتکل یا توافق‌نامه‌ای سوم، به‌لحاظ اجرایی و مالی به یکدیگر پیوند می‌خورند و هدف از این ساختار، ایجاد

علاوه بر این، نوع قراردادهای سرمایه‌گذاری مانند بیع متقابل، خرید متقابل و تهاتر، هرکدام کارکردها و اهداف اقتصادی متفاوتی دارند که باید متناسب با شرایط داخلی، منابع مالی و اهداف توسعه‌ای کشور به کار گرفته شوند. به‌ویژه قراردادهای بیع متقابل که در ایران سابقه‌ای نسبتاً طولانی دارند، در صورتی می‌توانند موفق باشند که از پشتوانه حقوقی مطمئن، نظام دآوری مؤثر و سازوکار نظارتی شفاف برخوردار باشند. در مجموع، دستیابی به توسعه اقتصادی پایدار بدون حضور فعال سرمایه خارجی، انتقال

فناوری و تعامل سازنده با نظام اقتصادی بین‌المللی امکان‌پذیر نیست. بنابراین، اصلاح قوانین و مقررات سرمایه‌گذاری خارجی، کاهش موانع بوروکراتیک، تضمین امنیت حقوقی سرمایه‌گذاران و ترویج الگوهای نوین قراردادی از ضرورت‌های اجتناب‌ناپذیر در مسیر توسعه اقتصادی کشور است. تنها در پرتو چنین اصلاحاتی است که می‌توان زمینه جذب سرمایه خارجی را تقویت، اعتماد سرمایه‌گذاران را جلب و حرکت نظام اقتصادی کشور را به‌سوی رشد و ثبات پایدار تضمین کرد.

جدول ۶. نقاط قوت و ضعف نظام حقوقی ایران در جذب سرمایه‌گذاری خارجی

نقاط ضعف و چالش‌ها	نقاط قوت نظام حقوقی ایران	محور ارزیابی
پراکندگی مقررات، تعارض در قوانین مرتبط، عدم انسجام در رویه‌های اجرایی و ضعف هماهنگی بین دستگاه‌ها	تصویب قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی و آیین‌نامه اجرایی آن؛ ایجاد نهادهایی مانند سازمان سرمایه‌گذاری	چارچوب قانونی و نهادی
نبود رویه قضایی شفاف، تردید در اجرای آرای دآوری بین‌المللی، و احتمال مداخله دولت در قراردادها	پیش‌بینی امکان شرط دآوری بین‌المللی و حمایت از انتقال سرمایه و سود	امنیت حقوقی و قضایی سرمایه‌گذار
ابهام در ماهیت حقوقی قراردادها (میان حقوق عمومی و خصوصی) و نبود مدل قراردادی استاندارد	به رسمیت شناختن انواع قراردادها مانند بیع متقابل، مشارکت مدنی و ترتیبات قراردادی	انواع قراردادهای سرمایه‌گذاری
نوسانات اقتصادی، تحریم‌های بین‌المللی، ریسک نرخ ارز و عدم ثبات در سیاست‌های اقتصادی	پتانسیل بالای منابع طبیعی، بازار مصرف گسترده و نیروی انسانی تحصیل کرده	جذابیت اقتصادی و ثبات محیط سرمایه‌گذاری

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

The contemporary global economic system is fundamentally shaped by the dynamics of capital mobility and the competitive positioning of states in attracting and retaining foreign investment, a process that directly affects economic growth, technological development, political stability, and national security. Within this framework, foreign investment functions not merely as a financial inflow but as a multidimensional phenomenon encompassing technology transfer, managerial expertise, employment generation, industrial upgrading, and integration into global markets. The legal infrastructure of each host country therefore plays a decisive role in shaping investment

behavior and outcomes. In Iran, foreign investment regulation is primarily governed by the Law on the Promotion and Protection of Foreign Investment of 2000, yet the conceptual foundations of this regime remain characterized by definitional ambiguity, regulatory fragmentation, and incomplete alignment with internationally recognized investment standards. The concept of “capital” in Iranian law lacks a precise statutory definition, instead appearing through illustrative lists of assets including cash, machinery, intellectual property, and technical know-how, which are referenced without a coherent theoretical framework (Saei, 2000). This absence of conceptual clarity extends to the notion of the “investor,” whose

legal status has evolved from a restrictive model under the 1955 legislation to a broader category encompassing private entities, state-owned enterprises, international organizations, and Iranian nationals residing abroad under the 2000 statute (Khodayari, 2001). However, this expansion has introduced new interpretive challenges regarding sovereign participation, immunity, and the private–public boundary in investment relations. Comparative examination of Iran’s bilateral investment treaties with states such as Bahrain, Malaysia, Slovakia, and Singapore reveals gradual convergence with international investment law, particularly in the recognition of diverse asset classes, contractual rights, and intangible property as protected investments (Hanjani & Ostadzadeh, 2017). Nonetheless, the persistence of divergent interpretive practices among regulatory authorities and courts continues to undermine legal certainty and investor confidence, highlighting the structural necessity for doctrinal coherence and legislative refinement.

At the operational level, the effectiveness of foreign investment protection is inseparably linked to the contractual architecture through which investment activities are structured. Foreign investment relations in Iran are predominantly realized through contractual mechanisms that bind the host state or public entities on one side and foreign private investors on the other, yet these relationships do not always materialize through classical investment contracts. Administrative acts such as licensing, permits, and regulatory approvals often create preliminary investment rights whose legal nature remains precarious under public law, exposing investors to unilateral modification and regulatory instability (Rezaeizadeh, 2008). The presence of a formally concluded investment contract thus serves as the principal mechanism for stabilizing investor rights, introducing

governing-law clauses, dispute resolution provisions, and arbitration agreements, and mitigating the asymmetry of power inherent in state–investor relations (Shahbazinia, 2013). Iranian law explicitly recognizes a wide array of contractual forms as protected investment arrangements, including build–operate–transfer agreements, civil partnerships, and buy-back contracts, which are collectively classified as “contractual arrangements” under the implementing regulations of the 2000 law (Shiravi & Amin Majd, 2012). Although regulatory terminology attempts to distinguish between direct investment and contractual investment, substantive analysis confirms that contractual arrangements constitute an essential subset of foreign direct investment, particularly in capital-intensive infrastructure and energy projects. The dual legal character of these contracts, simultaneously anchored in public regulatory authority and private contractual autonomy, creates inherent tensions regarding enforceability, stability, and the scope of permissible state intervention (Tabataba'i Motamani, 2006). Consequently, the Iranian investment regime reflects a complex hybridization of public and private law that demands carefully calibrated legal instruments capable of preserving sovereign regulatory space while ensuring credible investor protection.

The economic rationale for strengthening Iran’s foreign investment framework is deeply embedded in the broader architecture of national economic development. Modern economic systems operate as interdependent networks of institutions regulating production, distribution, labor, capital, and natural resources, with each component influencing the overall stability and growth trajectory of the system (Lajugie & Ziaian, 1976; Mir-Moezi, 2001). Over time, traditional distinctions between market and planned economies have given way to hybrid models in

which state coordination coexists with market mechanisms, making regulatory design a decisive factor in development outcomes. Countries pursuing economic reform have consistently followed a sequence of liberalization, marketization, privatization, and trade facilitation, each stage serving as a catalyst for increased foreign investment and enhanced global integration (Kanani, 2011). In developing economies, foreign investment plays a particularly vital role by compensating for domestic capital shortages, accelerating industrialization, improving productivity, and fostering technological diffusion (Alidousti Shahraki, 2010; Kiani & Rahim Baghban, 2020; Piran, 2010). Despite Iran's substantial natural resources, educated workforce, and market potential, foreign investment inflows remain significantly below capacity, a shortfall attributable not only to macroeconomic constraints but also to systemic legal deficiencies. Regulatory opacity, inconsistent interpretation of investment rights, and insufficient alignment with international standards collectively erode the country's competitive position, underscoring the necessity of comprehensive legal reform to enhance institutional credibility and economic attractiveness.

Within this legal–economic environment, the typology of foreign investment assumes critical importance. Iranian law distinguishes investment according to both the identity of the investor and the mode of investment. Public foreign investment typically involves states or international organizations pursuing strategic objectives alongside economic returns, whereas private foreign investment is primarily profit-driven and constitutes the dominant form of global capital flows. Investment modes further divide into direct and indirect investment. Direct investment entails long-term physical presence through factories, infrastructure, and production facilities, generating durable economic

impact, while indirect or portfolio investment consists of securities and financial instruments that provide liquidity but less structural development. Among direct investment mechanisms, buy-back contracts have emerged as a uniquely significant model within Iran's legal system, particularly in sectors where constitutional or statutory restrictions limit foreign ownership, such as hydrocarbons. Buy-back arrangements operate as complex transactional structures in which the investor finances development and production in exchange for the future purchase of output as repayment, combining financing, technology transfer, and risk allocation in a single framework (Katouzian, 1999; Shahidi, 1998). International definitions emphasize the reciprocal nature of these arrangements, framing them as integrated packages of equipment supply, technical assistance, and output repurchase (Hassan Beigi, 2002). Iranian jurisprudence has addressed concerns regarding the compatibility of profit components in such contracts with Islamic law through doctrinal reinterpretation, economic necessity, and authoritative policy decisions, thereby legitimizing their continued use (Saber, 2007). As a result, buy-back contracts have evolved into indispensable instruments for mobilizing foreign capital while preserving domestic ownership of strategic resources.

Beyond buy-back contracts, Iran's investment framework incorporates broader forms of countertrade, including barter, counter-purchase, and offset agreements, collectively designed to facilitate international trade under conditions of currency constraints, financial sanctions, and market access limitations. Countertrade mechanisms link export and import transactions through reciprocal obligations, reducing reliance on hard currency and stabilizing trade flows (Schmitthoff & Akhlaghi, 1999). In developing economies, these mechanisms serve

additional functions by enabling technology acquisition, enhancing export capacity, and leveraging foreign marketing networks without substantial upfront capital investment (Asgharzadeh, 1995). Legal scholarship distinguishes countertrade from classical sale contracts, emphasizing its compensatory structure, reciprocal dependency, and conditional performance obligations, features that demand specialized contractual design and dispute resolution mechanisms (Nasiri, 1991). Counter-purchase agreements, in particular, illustrate the sophistication of contemporary trade instruments, consisting of two legally independent contracts linked by overarching protocols that coordinate performance, pricing, and settlement while preserving flexibility in commodity selection and valuation (Saber, 2007). Collectively, these contractual innovations demonstrate the adaptability of Iran's investment regime under economic constraints while simultaneously revealing the growing complexity of legal governance in cross-border commercial relations.

In conclusion, the sustainability of Iran's economic development trajectory is inseparably linked to the structural integrity of its foreign investment regime. Effective investment governance requires more than formal statutory enactments; it demands conceptual clarity, institutional coherence, procedural transparency, and reliable enforcement mechanisms. The current legal framework exhibits both notable strengths and critical deficiencies: while it recognizes diverse contractual models, provides arbitration mechanisms, and formally commits to investor protection, it continues to suffer from definitional ambiguity, regulatory fragmentation, interpretive inconsistency, and vulnerability to discretionary state intervention. Addressing these deficiencies through doctrinal refinement, legislative modernization, harmonization with

international investment standards, and strengthening of judicial and arbitral institutions constitutes an indispensable prerequisite for restoring investor confidence and unlocking Iran's substantial economic potential. Only through such comprehensive reform can the Iranian legal system evolve into a credible platform for sustained foreign investment, technological advancement, and long-term economic stability.

References

- Alidousti Shahraki, N. (2010). *Foreign Investment Law* (1st ed.). Khorsandi Publications.
- Asgharzadeh, A. (1994). Countertrade. *Trade Reviews*(90), 56-58.
- Asgharzadeh, A. (1995). *Introduction to Countertrade* (1st ed.). Institute for Trade Studies and Research.
- Ashrafzadeh, H., Taramasari, M., The Committee on, T., & Definitions. (1991). *Collection of Introduction to Economic and Commercial Definitions and Terms* (1st ed.). Ministry of Commerce, Institute for Trade Studies and Research.
- Ghorbanian, H., & Beyranvand Nik, M. (2016). The Role of Insurance in Reducing the Risk of International Contracts with an Approach to Credit Insurance. The 3rd Conference on Modern Research in Management, Economics and Humanities, Batumi, Georgia.
- Habibi, M. (2015). *Interpretation of International Commercial Contracts* (2nd ed.). Mizan Publications.
- Hanjani, S. A., & Ostadzadeh, A. (2017). The Concept of Investment. *Legal Research (Shahid Beheshti University)*, 20(79), 11-35.
- Hassan Beigi, A. (2002). *Oil, Buy-Back, and National Interests* (1st ed.). Avaye Noor Publications.
- Kanani, M. T. (2011). Liberalization and Facilitation of Foreign Trade Based on Article 44 of the Constitution. *Journal of Law and Political Science (University of Tehran)*, 21(2), 187-203.
- Katouzian, N. (1999). *Course on Specific Contracts* (7th ed., Vol. 1). Sahami Enteshar Company.
- Khodayari, H. (2001). *Backgrounds and Legal Barriers to Foreign Investment in Iran* Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Faculty of Law].
- Kiani, A., & Rahim Baghban, M. (2020). Foreign Investment Law in International Commercial Contracts with a Look at Iran's Commercial Law. *Contemporary Legal Thought*, 1(2), 29-43.
- Lajugie, J., & Ziaian, S. (1976). *Economic Systems* (12th ed.). University of Tehran Press.

- Mir-Moezi, S. H. (2001). Islam and the Economic System. *Islamic Economy Quarterly*, 1(3), 91-108.
- Nasiri, M. (1991). *Multinational Law* (1st ed.). Danesh-e Emrooz (Amirkabir Publications).
- Piran, H. (2010). *Issues of International Investment Law* (1st ed.). Ganj-e Danesh Publications.
- Rezaeizadeh, M. J. (2008). Characteristics of Administrative Contracts. *Journal of Law and Political Science (University of Tehran)*, 38(2), 135-151.
- Saber, M. R. (2007). Comparative Study of the Legal Nature of Buy-Back Contracts and Their Legal Status. *International Law Review (CILS)*, 24(37), 243-295.
- Saei, A. (2000). *Political-Economic Issues of the Third World* (3rd ed.). SAMT Publications.
- Schmitthoff, C. M., & Akhlaghi, B. (1999). *The Law and Practice of International Trade* (1st ed., Vol. 1). SAMT Publications.
- Shahbazinia, M. (2013). *Settlement of Disputes Arising from Foreign Investment (A Comparative Study)* (2nd ed.). Institute for Trade Studies and Research.
- Shahidi, M. (1998). *Formation of Contracts and Obligations* (1st ed., Vol. 1). Hoghoughdan Publications.
- Shiravi, A., & Amin Majd, F. (2012). Foreign Investment in Upstream Oil and Gas Operations. *Private Law Journal (University of Tehran)*, 9(2), 5-34.
- Tabataba'i Motamani, M. (2006). A Brief Look at the Rules and Provisions of Public Contracts. *Govah Legal Quarterly*, 2(6 & 7), 1-9.
- Taghavi, M. (1991). *International Trade* (2nd ed.). Pishbord Publications.